

هجران و درد جدایی روح انسان از جوار قرب الهی، شوق دیدار یار که با حزن و اندوه همراه است. غم به معنی عشق و در مفهوم عرفانی آن همان غم کهنی است که مایه تعالی روح و کمال انسانی است. غم عشق آسمانی و هدیه آن جهانی است. تعبیر دیگری از غم هم آمده تحت عنوان درد، داغ، گره، فروبستگی.

عنوان مقاله: زبانهای ایرانی

نویسنده: خسرو باقری

مأخذ: ماهنامه ادبیات و فلسفه، س سوم، ش ۹ (تیرماه ۱۳۷۹)، ص ۴۶ تا ۴۸

یکی از شعبه‌های زبان هندو اروپایی، که به سبب مهاجرت و جدایی طوایف آن به وجود آمد، امروزه زبان «هند و ایرانی» یا «آریایی» نامیده می‌شود. هر دو قوم ایرانی و هندی در آثار کهنی که از ایشان به جا مانده است خود را به نام واحد «آریایی» معرفی می‌کنند. کلمه «آریایی» معرف قومی است که به زبان سنسکریت سخن می‌گفته‌اند.

هر زبان یا گویشی که مربوط به گروه (خانواده) زبانهای ایرانی باشد و هر متنی که به یکی از زبانها یا گویشهای مذکور نوشته شده باشد موضوع مطالعه علم زبانشناسی تاریخی ایرانی خواهد بود.

پژوهشگری که آثار مکتوب ایران باستان را مطالعه می‌کند، به طور دائم مسائلی مثل صحت یا عدم صحت متن، تاریخ آن، شرایط و اوضاع و احوال و تدوین و حفاظت و استنساخ آن و موضوع تحریفها و الحاقات تصحیحاتی که نساخان از خود آورده‌اند، روبه روست.

زبان‌شناسی در زمانی زبانهای ایرانی، علمی مبتنی بر آثار مکتوب مربوط به قرن ۶ قبل از میلاد تا زمان ما و ادوار تاریخی مختلف است.

باستانی‌ترین آثار مکتوب به زبانهای ایرانی (اوستا و کتیبه‌های باستانی) در عین حال از قدیمترین آثار زبانهای هندو اروپایی است. مطالعه زبانهای ایرانی در پیشرفت زبان‌شناسی هندو اروپایی نقش بسیار مهمی داشته و دارد.

پاره‌ای از زبانهای ایرانی (مثلاً فارسی، تاجیکی و آسی) به صورت ملی و دولتی درآمده ولی بعضی دیگر (مثلاً لهجه‌های لری و بختیاری و بلوچی) به عنوان زبان محلی مردم باقی مانده‌اند.

تاریخ زبانهای ایرانی به سه دوره اصلی تقسیم می‌شود: (۱) دوره ایرانی باستان (آغاز هزاره دوم ق م یعنی دوره جدایی زبانهای ایرانی از جامعه آریایی تا قرنهای چهارم و سوم ق م). مواد زبانی ایرانی این دوره از طریق کتیبه‌های فارسی باستان به دست آمده است. زبان این دوره را تنها از راه بازسازی، بویژه براساس مواد زبانی هندی باستان می‌شناسیم.

(۲) دوره ایرانی میانه (قرون چهارم و سوم تا قرون هشتم و نهم م). مواد زبانی این دوره را مواد زبانهای ایرانی میانه تشکیل می‌دهند که بیشتر آنها مربوط به قرون پسین این دوره است.

دوره ایران اسلامی که از قرنهای هشتم و نهم م / دوم و سوم هجری شروع می‌شود. مواد این دوره را ادبیات مکتوب بسیار غنی بویژه به فارسی دری (کلاسیک) و زبانها و گویشهای متعدد دوران معاصر تشکیل می‌دهد.

عنوان مقاله: نوروز و سفره نوروزی

نویسنده: دکتر محمدرضا راشد محصل

مآخذ: آموزش زبان و ادب فارسی، سن چهاردهم، ش ۵۴ (بهار ۱۳۷۹)، ص ۱۴ تا ۱۹

نویسنده این مقاله می‌کوشد گوشه‌ای از فرهنگ و ارزشهای قومی ایرانیان را از دور دستهای تاریخ تاکنون باز نماید. نوروز در شمار یکی از فرهنگهایی است که خاطره رستن سبزه‌ها و اعتدال طبیعت و آسودگی از رنج سرما را برای بشر تداعی می‌کند. مجموعه آداب و رسوم و آیینهای جشن نوروز بیشتر در جهت فراموش کردن غمها و هماهنگ شدن با طبیعت است.

سفره نوروزی که سابقه‌ای قدیم دارد، در حقیقت نمادی از سفره زمین و گونه‌ای از شکرگزاری این نعمتها با یاد کردن آنها و قرار دادنشان بر این سفره است. برخی از نعمتها که به طور نمادین بر سفره نوروزی گذاشته می‌شود به قرار زیر است:

قرآن که منشأ و منبع ایمان و تقدس است؛ سبزه، نمادی است از رویش و سرسبزی در جهت آرزوخواهی؛ شمعدان: نشانه و نمادی از جایگاه روانهای روشن است؛ سپند که غالباً برای رفع چشم زخم است؛ آینه، نمادی از دل انسان است که جلوه گاه صفات حق است؛ سکه: درخشش و صفای آن، روشنی دنیای نور را جلوه گر می‌کند.

سمنو، جوانه گندمی که آرزوی جاودانگی انسان را می‌نمایاند؛ سیب: نشان عشق و نماد زایش است؛ سنجد: با بوی خوش و احساس برانگیزش نشان دلدادگی و برانگیزاننده احساسات طبیعی انسان بوده است؛ نارنج نشانه‌ای از گوی زمین و

تجسم حرکت خورشید در دوازده برج فلکی است؛ ماهی به نشان خورشید در ظرف آب که نماد افلاک است جای می‌گیرد.

نان، کوزه، شیر، انار و گل بیدمشک نیز در گذشته بر سفره نوروزی گذاشته می‌شد که امروز، دیگر به عنوان یک سنت رایج رعایت نمی‌شود.

روز ششم فروردین مراسم نوروزی را تمام شده می‌دانند و تنها روز سیزدهم غالباً به گشت و گذار در سبزه زارها و صحراها می‌گذرد.

عنوان مقاله: بررسی میزان طبیعی بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی

نویسنده: فریده حق بین

مآخذ: زبان و ادب، س دوم، ش نهم و دهم (باییز و زمستان ۷۸)، ص ۷۵ تا ۹۳

در زبانشناسی مقایسه‌ای، زبانها به لحاظ صرفی و ساختار واژگانی به دو گروه یک تکواژی و چند تکواژی تقسیم می‌شوند. زبانهای چند تکواژی خود به چند گروه تقسیم می‌شوند: الف) زبان پیوندی: مرز بین تکواژها مشخص است، ب) زبان ترکیبی: مرز بین تکواژها مشخص نیست؛ ج) زبانهای پساوندی: با الحاق تکواژها به یکدیگر شکل می‌گیرد. این زبانها شامل مجموعه وسیعی ازوندها هستند که نقش عناصر آزاد نحوی را در درون واژه یاری می‌کنند.

نظریه صرف طبیعی: با توجه به ویژگیهای زبانهای طبیعی جهان درصدد یافتن ملاکهایی است تا ضمن یافتن ویژگیهای میان زبانها، ملاکهایی را برای روشن کردن حد طبیعی به دست دهد.

در این مقاله ضمن طرح پنج ملاک نظریه پردازان در باب صرف طبیعی، نظام تصریف زبان فارسی بررسی و معلوم شده است. زبان فارسی به لحاظ عناصر تصریفی متصل به فعل همچون زبانهای ترکیبی میزان بیشتری از طبیعی بودن را نشان می دهد و به لحاظ عناصر تصریفی متصل به اسم و صفت همچون زبانهای پیوندی حد بیشتری از طبیعی بودن را نشان می دهد.

عنوان مقاله: تکواژ «خانه» و عملکرد معنایی آن در ساخت واژه زبان فارسی

نویسنده: بهروز محمود بختیاری

مآخذ: زبان و ادب، س دوم، ش نهم، دهم، (پاییز و زمستان ۷۸)، ص ۱۸۳ تا ۱۹۰

در این مقاله در قالب ساخت واژه زبان فارسی به ویژگیهای معنایی عملکرد تکواژ «خانه» در قیاس با سایر تکواژهای مکان ساز (مثل «ستان») اشاره شده است. اگر تکواژهای ملحق به کلمات گوناگون بر نظامی پیوستاری قرار داشته باشد که در یک سوی آن تکواژهای واژگانی و در سوی دیگر تکواژهای دستوری مثل پسوند را داشته باشیم، «خانه» تکواژی است که میل بسیار به سمت پیوند شدن دارد که نتیجه فرایند «دستوری شدگی» است که علاوه بر ویژگیهای ساختواژی، ویژگیهای معنایی خاصی را در همنشینی با واژه پایه، به کل ساخت تحمیل می کند؛ یعنی در مقایسه با ساختههای هم معنای آن کلمه، از بار عاطفی آن می کاهد و کاربرد اجتماعی آن را تغییر می دهد. این گرایش به ما امکان می دهد که در مورد سایر واژگانی که با «خانه» ساخته می شوند، پیش بینی های معنایی داشته باشیم و بار عاطفی آنها را پیشاپیش تعیین کنیم؛ برای مثال، پدید آمدن واژه ای چون